بسمه تعالی

دابه الارض- موجودی که از زمین بیرون می آید و با مردم سخن می گوید

نوشته نادر حسن زاده

تفسیر آیه "وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ(آیه ۸۲ سوره نمل): و چون حجت بر ایشان تمام گردد و فرمان عذاب آنها برسد جانوری را از زمین برای آنها بیرون آوریم تا با آنها تکلم کند و بگوید که این مردم افرادی هستند که هیچگاه به آیات ما ایمان نمی آوردند" دابه الارض(The earth creature) چیست؟ و یا کیست؟ آیا انسان است یا جنبده ائی شبیه به مورچه؟ آیا خدا عمدا نام سوره نمل (مورچه) را نمل گذاشته تا ما متوجه هیبت مورچه وار دابه بشویم؟ چرا در این مورد خاصدابه را از انسان و انعام طبق آیه ۲۸ سوره فاطر "وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ..." متمایز نمی کنیم؟

اگر این حرف صحیح است چرا کسی تاکنون متوجه آن نشده است؟(فعلا یک مورد نزدیک به این نظر را در منابع اهل سنت دیدم و در متن فعلی لحاظ کردم) و یا در منابع ذکر نشده است؟ چرا بیشتر مردم با این نام یا آشنا نیستند و یا با آن که جزئی از باورهای دینی ایشان است مانوس نیستند؟ آیا ما مجاز به تعطیلی آیات هستیم؟ ارزش این آیه در قرآن چقدر است؟ چون تک آیه است پس مهم نیست؟ چون قابل فهم نیست پس قابل پیگیری نیست؟

زمان ظهور دابه چه هنگام است؟ تفسیر این تک آیه چقدر در سرنوشت و باورهای دینی انسان های روی زمین مهم و موثر است؟ چقدر بر ایمان مومنین تاثیر گذار است؟

چقدر مزید افتخار عالم اسلام است. افتخار کتاب نورانی و آسمانی اسلام است؟ مسلمانان مستظهر به این کتاب و به این دین و آئین، چرا به خود نمی آیند و از همه این افتخارات مکتب خود رونمائی نمی کنند؟

اینهمه اخبار دست اول غیبی و ما همچنان غایب! اهل تسنن چه می گویند؟

تفاوت ظهور امام غایب با ظهور دابه در چیست؟ وقوع این دو همزمان یا دور از هم است؟ نزدیک قیامت یا دور از قیامت است؟

تاریخ تحقیق و تدوین: دی ماه ۱۳۹۴. تاریخ نشر۱۳۹۵/۴/۲۵. تاریخ دهمین نسخه بازبینی ۱۴۰۱/۸/۲۵

hasanzadehr@yahoo.com

به یمن مبارک روز ولادت حضرت ختمی مرتبت (ص) که مصادف بود با روز سه شنبه ۱۳۹۴/۱۰/۸، طبق معمول همیشه قرآن را از صفحه ائی که علامت گذاشته بودم به مقدار یک صفحه کامل (پشت و رو) قرائت کردم. اغلب مواقع دو صفحه بیشتر نمی خوانم. دیدم انتهای سوره نمل است. خیلی آیات مهمی داشت. همه موارد را در دو فایل جداگانه یادداشت برداری و ذخیره کردم. به این آیه که رسیدم درماندم:

وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كانُوا بِآياتِنا لا يُوقِنُونَ (آیه ۸۲ سوره نمل).

و چون گفتار بر آنها واقع شود و حجّت تمام گردد، ما جنبنده‌ای را از زمین بیرون می‌آوریم که با آنها به سخن بپردازد؛ که بدرستیکه حقّاً این مردم افرادی هستند که هیچگاه به آیات ما ایمان نمی‌آوردند.

قرآنی که من به قرائت آن عادت دارم با ترجمه مرحوم آقای الهی قمشه ائی است. ایشان این آیه اینگونه ترجمه کرده اند"و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده‌ای از زمین بیرون آریم که با آنان تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی‌گروند".

چون قرار بود خانه مادر بروم. فرصت فکر کردن نداشتم، فرصت مراجعه به اینترنت هم نداشتم. اما کلی ذهن مرا درگیر خود کرده بود. در مسیر خانه مادر می گفتم که چرا من تا به امروز این آیه را ندیده و یا متوجه آن نشده ام؟ روز بعد جستجو را آغاز کردم.

دیدم سوره مکی است و پیش خود گفتم چقدر زود مسلمانان صدر اسلام با نزول این آیه غافلگیر شدند! و چقدر دیر متوجه آن شده و خواهیم شد! تعدادی از منابع اینترنتی را در این باره زیر و رو کردم. تفسیر دم دستی و قابل دسترس مربوط به کتاب المیزان مرحوم علامه طباطبائی بود. بعد هم تفسیر نمونه. اما تفسیر نور به صورت پی دی اف بود و قابل کپی برداری نبود. تفسیر تسنیم آیت الله آقای جوادی آملی هم که به صورت فایلهای صوتی بود. تا اینکه در این چند روز به متن تایپی سخنرانی ایشان دسترسی پیدا کردم. بعد هم جسته گریخته موضوع پی گیری و از یک منبع جدید اهل تسنن در این متن استفاده شد.

اما مگر کسی جوابگو است و مگر متن ها آدم را جلو می برند!

تا این ساعت که بیست و پنجمین سحر ماه مبارک رمضان (۱۱ تیر۱۳۹۵) است و منابع را برای آخرین بار مطالعه می کنم هیچ نظر جدیدی در فضای مجازی ارائه نشده است.

اما باز صد هزار بار شکر بر این موجودی ها که کلی مطلب آموختم. با کلی کنکاش، کلی دریافت داشتم. ابهاماتی هم ناخواسته بوجود آمد. اسمش یک آیه است. یک دنیا حرف و حدیث پشت آن خوابیده است. قیامت ما و قوت و قدرت ایمان ما در گرو حل این معماست.

بعنوان یک مسلمان این پرسش برای من مطرح بود که چرا شیعه و سنی در کندوکاو این آیه بسیار مهم کم کار کرده اند؟

اینکه دیگر روایت نیست که بین ایشان اختلاف باشد. آیه صریح قرآن است.

از طرفی برای ما شیعیان که معتقد به ظهور آقا امام زمان (عج) هستیم ظهور این جنبده را چگونه توجیهه می کنیم؟ و چرا در بحث آخر زمان و رجعت، در مورد فردی دروغگو و حقه بازی چون دجال ده ها مطلب می دانیم اما از این موجود ارزشمند خدا که **جنبده زمینی (دابه الارض)** نام دارد و یکی از برترین خلقت های اوست و ۱۶ بار نام آن در قرآن مجید به صورت جمع یا مفرد تکرار شده و دابه مورد نظر سوره نمل آن را ویژه و برجسته کرده است اکثر ما کم خبر و یا بی خبریم؟

پرسشهای این بخش:

- پرسش ۱: آیا ظهور دو بار اتفاق خواهد افتاد؟ ظهور دابه و ظهور امام زمان.
- پرسش ۲: ظهور دابه مربوط به روز رجعت است (زنده شدن مردگان و بازگشت ایشان به زندگی در دنیا) و یا روز قیامت؟
- پرسش ۳: ظهور امام زمان و حضرت عیسی مسیح چطور؟ آیا در روز رجعت است؟
- پرسش ۴: آیا ظهور دابه قبل یا بعد از ظهور امام عصر (عج) اتفاق می افتد؟ یا همزمان؟ یا دو مقوله جدا از هم هستند؟ و یا طبق نظر شیعه خداوند تعدادی از انسانها را به همان صورتی که در دنیا بوده اند به دنیا باز می گرداند و بدست امام غایب بهترین های آنها عزیز و بدترین آنها ذلیل می گردند.
- پرسش ۵: آیا تعدادی از انسانها (خواص) هم رجعت و هم قیامت خواهند داشت ولی همه انسانها حتما قیامت خواهند داشت؟
- پرسش ۶: آیا خواص دو گروه هستند؟ تعدادی معتقد به آیات و تعدادی منکر آیات هستند؟ برای اجتماع برگزیده منکرین دابه وارد عمل می شود و برای افراد یک دوره ائی امام وارد عمل می شود؟ در آن صورت باید این دو ظهور در دو زمان متفاوت باشند. زیرا تقسیم کار این چنینی در قرآن نیست. دابه: مسئول گفتار درمانی و ارشاد، تنبه و هدایت منکرین است و امام زمان: منتقم و مسئول بسط عدالت در روی زمین است. آیا منکرین که به مرور جمع و احضار جمعی می شوند نماینده و رهبر منکرین هستند و یا نه افراد عادی هستند و از روی نادانی منکر آیات حق شده اند؟

- پرسش ۷: دابه در شان امام علی است؟ چرا به او نسبت داده اند؟
- اینها همه سرمایه اولیه این مقاله است. ضمن مرور منابع معتبر، چند سطری هم در انتها من از برداشت های خود خواهم نوشت. باشد که نظرات جدیدتر ارائه گردد و مردم مومن و مسلمان این قرن که قرن انفجار اطلاعات است دانستن آن را برای خود فرض بدانند. همچنانکه رویت ماه در ماه مبارک رمضان مهم است.

تفسیر المیزان:

- و اما اینکه این قول چیست که بر آنان واقع می شود، آنچه از کلام خدای تعالی صلاحیت دارد که این قول را تفسیر کند آیه سنریهم ایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق می باشد- به زودی نشانه‌های خود را در افق های گوناگون و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است. فصلت/۵۳).
- برای اینکه می دانیم مراد از این آیات که خدا به زودی به آنان نشان می دهد غیر آیات آسمانی و زمینی است، که خود آنان همواره آنها را می بینند، و دائما در پیش رو و بیخ گوششان قرار دارد، بلکه مراد، بعضی از آیاتی است که جنبه خارق عادت داشته باشد و مردم از دیدن آن ناگزیر به ایمان شوند و در حالی فرا رسد که به هیچ یک از آیات آسمانی و زمینی معمولی ایمان نداشته باشند، ولی از دیدن آن آیت که گفتیم ایمان بیاورند (آفرین بر تو، تلاش تو، تفسیر تو و تربت پاک تو).
- جمله اخرجنا لهم دابة من الا رض تکلمهم بیان آن آیتی است که گفتیم مراد از آن، آیت خارق العاده ای است که در آیه سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق آن را وعده داده، و همین که جمله مورد بحث صفت قرار گرفته برای آن آیت خارق العاده، خود دلیل است بر اینکه مراد از اخراج از زمین، یا احیاء و بعث بعد از مرگ است و یا امری است نزدیک بدان.
- **حال ببینیم کدام یک می تواند باشد.**
- و اما اینکه آن جنبنده، جنبنده ای باشد که با مردم صحبت کند، از آنجا که کلمه دابه - جنبنده به هر صاحب حیاتی اطلاق می شود که در زمین راه می رود، می تواند انسان باشد و می تواند حیوانی غیر انسان باشد، اگر انسان باشد که تکلم و سخن گفتنش امری عادی است، نه خارق العاده و اگر حیوانی بی زبان باشد آن وقت حرف زدنش مانند بیرون شدنش از زمین امری است خارق العاده.
- لیکن متاسفانه در آیات کریمه قرآن چیزی که بتواند این آیت را تفسیر کند و معلوم سازد که این جنبده ای که خدا به زودی از زمین بیرون می آورد چیست؟ و چه خصوصیاتی دارد؟ و صفات و نشانیهایش چیست؟ و با مردم چه تکلمی

می کند و چه خصوصیاتی دارد؟ و چگونه از زمین بیرون می آید؟ و چه می گوید؟ وجود ندارد، بلکه سیاق آیه بهترین دلیل است بر اینکه مقصود مبهم گویی است و جمله مزبور از کلمات مرموز قرآن است.

تفسیر سوره مبارکه نمل جلسه۲۳ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰ آیت الله آقای جوادی آملی

- دابّه‌ای که در این آیه است بر حضرت امیر تطبیق شده است یعنی جنبنده‌ای که با کفار سخن می‌گوید. این دابّه در تفسیر اهل سنّت به وضع خارق‌العاده‌ای تعبیر شده که به تعبیر فخر رازی هیچ کدام از این اوصاف در قرآن کریم برای آن دابّه نیامده.

بنابراین از نظر روایت چقدر فرق است بین آنچه از طرق اهل سنّت درباره این دابّه آمده و آنچه از طریق شیعیان درباره این دابّه آمده.

در روایات آمده است که اینها مربوط به رجعت است چرا؟ برای اینکه اگر مربوط به قیامت بود در قیامت خدا همه را محشور می‌کند نه فوجی را. در این مورد برخی از مکذّبان را ما محشور می‌کنیم. در آن روزی که عذاب الهی می‌خواهد واقع شود دابّه‌ای به آنها می‌گوید جُرم شما این بود که به آیات الهی ایمان نیاوردید

مطلب دیگری هم که در کتاب قیّم المیزان آمده این است که برخی از آیات است که فقط یک بار در قرآن کریم آمده چون یک بار آمده و تقریباً رمزگونه آمده تفسیر شفاف آن آسان نیست آیات دیگر که مکرّر آمده می‌شود به وسیله "الآیات یُفسّر بعضها بعضا" آن را معنا کرد اما وقتی این مضمون فقط یک بار ذکر شده است این حلّش آسان نیست.

گویا هدف هم این است که این رمزگونه بیان شود که بین ذات اقدس الهی و پیغمبر، اهل بیت (علیهم الصلاة و علیهم السلام) این رمزگونه باشد.

- ✓ جریان تعلیم اسما و خلافت و گفتگوی فرشته‌ها با خدای سبحان از همین قبیل است
- ✓ آیه اخذ میثاق (إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِن بَنِی آدَمَ ... اعراف/۱۷۲- به خاطر بیاور زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت و فرمود آیا من پروردگار شما نیستم؟! گفتند آری، گواهی می‌دهیم برای اینکه در روز رستاخیز نگوئید ما از این غافل بودیم، از همین قبیل است.
- ✓ این آیه رجعت که (فَوْجاً مِّمَّن یُکَذِّبُ بِآیَاتِنَا... آیه ۸۳ سوره نمل- به خاطر بیاور روزی را که ما از هر امتی گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند محشور می‌کنیم و آنها را نگه می‌داریم تا به یکدگر ملحق شوند، از این قبیل است.
- ✓ **دابّةالأرض بودنِ حضرت امیر از همین قبیل است.**

- بخشی از اینها ابهامش به وسیله روایات روشن می‌شود اما انسان بتواند نظر قطعی درباره این امور بدهد آسان نیست و ضرر هم ندارد برای اینکه اینها زیرمجموعه آن اصول اعتقادی است. وقتی زیرمجموعه آن اصول اعتقادی بود اگر کسی

آن اصول اعتقادی را با همه زیرمجموعه آنها که در روایات اهل بیت تفسیر شده است معتقد باشد این سعادتمند است. حالا ممکن است به جزئیات بعضی از امور دسترسی پیدا نکند ولی معتقد باشد آنچه قرآن و عترت گفتند همان حق است و به همان هم ایمان بیاورد این نظیر صوم و صلات نیست که خیلی درباره آن بحث شده باشد شفاف شده باشد.

- این دابّةالأرض چیست از آن طرف می‌بینید در تفسیرهای اهل معرفت این دابّةالأرض به یک وضع خاص بیان شده از آن طرف می‌بینید زمخشری و امثال زمخشری برای دابةالأرض اوصافی ذکر کردند از آن طرف فخر رازی بعد از ذکر این اوصاف می‌گوید هیچ کدام از اینها را نمی‌شود به صورت جزم پذیرفت مگر یک خبر صحیح از پیغمبر (صلّی الله علیه و آله و سلّم) باشد اینها رمزگونه است نه نظیر صوم و صلات است که مورد تکلیف روز باشد و محلّ ابتلای عملی همگان (یک) محلّ ابتلای علمی مفسّران (دو) لذا انسان نمی‌تواند نظر نهایی به طور دقیق را در این زمینه ارائه کند.

تفسیر نمونه:

- و هنگامی که فرمان عذاب فرا می‌رسد (و آنها در آستانه رستاخیز قرار می‌گیرند) جنبنده‌ای را از زمین، برای آنان خارج می‌کنیم که با آنها سخن می‌گوید، و سخنش این است که مردم به آیات ما (خدا) ایمان نمی‌آوردند.

دَابَّةُ الْأَرْضِ در روایات متعددی بر شخص امیر مؤمنان علی علیه السّلام تطبیق شده است و با در نظر گرفتن احادیث فراوان می‌توان از آن مفهوم کلی‌تری را استفاده کرد که بر هر یک از پیشوایان بزرگ که در آخر زمان قیام و حرکت فوق‌العاده می‌کنند و حق و باطل و مؤمن و کافر را از هم مشخص می‌سازند منطبق می‌شود.

باز در این کتاب تفسیر ذیل آیه ۲۹ شوری: "وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ – و از نشانه‌های قدرت اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از انواع جنبنده در میان آن دو پراکنده است و او هر گاه بخواهد برگرد آوردن آنان تواناست" آمده است.

"دابة" هم موجودات زنده ذره بینی را شامل می شود که دارای حرکت ظریف و مرموزی است و هم حیوانات غول پیکری که ده ها متر طول و ده ها تن وزن دارد. آیه اخیر دلالت بر وجود انواع موجودات زنده در آسمانها است.

مؤسسه فرهنگی قرآن پژوهان شمال:

۱. امامیه ظاهراً آن را رجعت حضرت امیر (ع) می دانند و گروهی او را حضرت ولی عصر (ع) می دانند.
۲. اهل سنت هم او را حیوانی عجیب می دانند که سرش به گاو و گردنش به شترمرغ و سینه اش به شیر ... می ماند.
۳. مرحوم ابوالفتوح رازی در تفسیر خود لفظ "دابه الارض" را کنایه از حضرت مهدی (عج) می داند.

- با در نظر گرفتن احادیث متعددی که در این خصوص وارد شده، می توان از "دابه الارض" مفهوم کلی ترین را استفاده نمود، زیرا بر هر یک از پیشوایان بزرگ که در آخر زمان قیام و حرکت فوق العاده می کنند و حق و باطل و مؤمن و

کافر را از هم مشخص می سازند، منطبق می شود. وی انسانی است که در آستانهٔ رستاخیر ظاهر می شود و یکی از آیات عظمت پروردگار است.

مرکز جهانی حضرت ولی عصر (عج):

- هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند) جنبده ای را از زمین برای آنها خارج می کنیم که با آنها تکلم می کند و می گوید: مردم به آیات ما ایمان نمی آورند.

طبرسی از پیامبر اکرم (ص) روایت کرده که حضرت فرمود:

آن جنبده "دابه" چون ظاهر شود، عصای موسی و انگشتر سلیمان با اوست، با انگشتر روی مؤمنین را نقش و مهر کند و با عصا بینی کفار را بشکند و چون مردم در محضرش (بین کوه صفا و کعبه) جمع شوند مؤمن و کافر را از یکدیگر تمیز داده و بشناسد و بر چهره مؤمنین می نویسد این شخص مؤمن است، و بر چهره کافر می نویسد این شخص کافر است (سایت تبیان زنجان این نظر را به حضرت علی (ع) نسبت داده است!).

اینها از نشانه های حتمی پیش از ظهور و خروج حضرت مهدی آل محمد ارواحنا له الفداء می باشد که آشکار خواهد شد.

تفسیر نور- حاج آقا محسن قرائتی:

- اجمالا موجود بسیار مهمی است. در آستانه قهر الهی ظاهر می شود. حرف می زند. حرف او همچون صور اسرافیل آخرین سخن است. اگرچه کلمه دابه به غیر انسان گفته می شود اما بارها در قرآن این کلمه در جائی به کار رفته که شامل انسان هم می شود. شاید مراد حضرت علی و یا یکی از اولیای خدا باشد والله العالم.

اسلام کوئست:

- واژه دابهٔ، از نظر معنا، جنبنده ای است که قابل اطلاق بر انسان و غیر انسان است. امّا در این که جنبنده زمینی در آیه شریفه چه موجودی است و برنامه و رسالت او چگونه است؟

قرآن به صورت سربسته بیان کرده و می گوید: موجود متحرّک و جنبنده ای است که خدا او را از زمین در آستانه رستاخیز، ظاهر می سازد. او با مردم سخن می گوید و سخنش این است که مردم به آیات خدا ایمان نمی آورند.

بدیهی است با آن شرایط که در آن زمان رخ خواهد داد و کلامی که دابّهٔ الارض می گوید، منکران به خود می آیند و از گذشته تاریک خویش پشیمان می شوند، ولی چه سود که راه بازگشت بسته است.

پرسمان عقاید:

- دابهٔ به معنی جنبنده و ارض به معنی زمین است. دابهٔ تنها به جنبندگان غیر انسان اطلاق نمی‌شود بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسانها را نیز در بر می گیرد؛ شواهد این معنا در قرآن:

۱. در آیه ۶ سوره هود می‌خوانیم: وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِی الْأَرْضِ إِلَّا عَلَی اللَّهِ رِزْقُها: هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خدا است.

۲. در آیه ۶۱ سوره نحل آمده: وَ لَوْ یُؤاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ ما تَرَکَ عَلَیْها مِنْ دَابَّةٍ: اگر خداوند مردم را به خاطر ستمهایشان مجازات می‌کرد، جنبنده‌ای را بر صفحه زمین باقی نمی گذاشت.

۳. در آیه ۲۲ سوره انفال می‌خوانیم: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ: بدترین جنبندگان نزد خداوند افراد کر و گنگی هستند که چیزی نمی‌فهمند

منظور فرضیه دابه علیه دابه است؟ آیا نظر این سایت این است که دابه الارض برای هدایت این دواب خواهد آمد؟ این ها که جزو بدترین موجودات هستند و اگر ختم القلوب باشند که دیگر قابل تنبیه نیستند. کار با ایشان وقت تلف کردن است.

حدیث نت:

- آیاتی که دابه در آنها به کار رفته است به سه گروه قابل تقسیم هستند:

۱. مواردی که واژه «دابه» عموم جنبندگان را در برمی‌گیرد؛ مانند (وَاللَّهُ خَلَقَ کُلَّ دَابَّةٍ مِن مَّاء-و خدا هر حیوانی را از آب آفرید، که بعضی (مانند مارها) بر شکم روند و برخی (مانند انسان) بر دو پا و برخی (چون اسب و گاو و شتر) بر چهار پا حرکت کنند. و خدا هر چه خواهد بیافریند که خدا بر همه کار تواناست (سوره نور آیه ۴۵) و آیات سوره بقره، آیه ۱۶۴؛ سوره انعام، آیه ۳۸؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۰؛ سوره نور، آیه ۴۵؛ سوره فاطر، آیه ۴۵؛ سوره شوری، آیه ۲۹؛ سوره جاثیهٔ، آیه ۴؛ سوره هود، آیه ۶ و۵۶؛ سوره نحل، آیه ۴۹ و ۶۱. البته واژه «کل» نیز در این توسعه دخالت دارد.

۲. مواردی که واژه مزبور در آنها حیوانات (به استثنای انسان) را شامل می‌شود و سیاق آیات، مؤید این مدعاست؛ مانند: (وَ الدَّوَابُّ وَ کَثِیرٌ مِّنَ النَّاسِ...(سوره حج، آیه ۱۸)، وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ...(سوره فاطر، آیه ۲۸) و مَا دَلَّهُمْ عَلَی مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْکُلُ مِنسَأَتَهُ- پس چون مرگ را بر سلیمان (در حالی که تکیه بر عصا زده بود) حتم کردیم (و او را میراندیم) جز جنبنده خاکی (موریانه) که عصای او را می خورد آنها را (اجنّه و خاندان او را) از مرگش آگاه نساخت..(سوره سبا، آیه ۱۴).

۳. موردی که واژه دابه تنها انسان را در برمی‌گیرد مانند: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لاَ یَعْقِلُونَ- بدترین جنبندگان نزد خدا افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند (سوره أنفال، آیه ۲۲) و إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللّهِ الَّذِینَ

كَفَرُواْ فَهُمْ لاَ يُؤْمِنُونَ (بدترین جنبندگان نزد خدا کسانی هستند که راه کفر پیش گرفتند و ایمان نمی‌آورند (سوره أنفال، آیه ۵۵).

سایت موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان (قرآن آنلاین)

- اما در اینکه این جنبنده زمینی چیست و کیست؟ و برنامه و رسالت او چگونه است؟ قرآن به صورت سربسته بیان کرده، و گوئی می خواسته است به اجمال از آن بگذرد که گاهی تاثیر سخن در آن است که مطلب هول انگیز را در پرده بگویند. همین اندازه می گوید: موجود متحرک و جنبنده ای است که خدا او را از زمین در آستانه رستاخیز، ظاهر می سازد، او با مردم سخن می گوید، و سخنش این است که مردم به آیات خدا ایمان نمی آورند.
- بنابراین از مجموع آیه چنین استفاده می شود که روزی فرا خواهد رسید که از هر قوم و جمعیتی خداوند گروهی را محشور می کند و آنها را برای مجازات و کیفر اعمالشان آماده می سازد.
- مرحوم ابو الفتوح رازی در تفسیر خود ذیل آیه فوق می نویسد: بر طبق اخباری که از طریق اصحاب ما نقل شده، دابة الارض کنایه از حضرت مهدی صاحب الزمان است.
- علامه مجلسی در بحار الانوار با سند معتبری از امام صادق (ع) چنین نقل می کند که علی (ع) در مسجد خوابیده بود، پیامبر (ص) آنجا آمد، علی (ع) را بیدار کرد و فرمود قم یا دابة الله!: برخیز ای جنبنده الهی. کسی از یاران عرض کرد ای رسول خدا آیا ما حق داریم یکدیگر را بر چنین اسمی بنامیم؟ پیامبر فرمود: نه این نام مخصوص او است، و او است دابة الارض که خداوند در قرآن فرموده: و اذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض ... سپس فرمود: ای علی! در آخر زمان خداوند تو را در بهترین صورت زنده می کند و وسیله ای در دست تو است که دشمنان را با آن علامت می نهی.

مدرسه علوم دینی اهل سنت و جماعت اسماعیلیه گیاهدان (۱۳۹۰/۱/۱۰)

- این آیه بحث از خروج جاندار در هنگام فساد مردم، دوری از اوامر خداوند و تغییر دین حق توسط انسان می کند و همچنین از تکلم این جاندار با مردم در آن زمان سخن می گوید. عبدالله بن مسعود –رضی الله عنه– می گوید: «وقع القول» یعنی مرگ علما، نماندن علم و برداشته شدن قرآن از میان مردم. سپس می گوید: «قرآن را تلاوت کنید قبل از اینکه برداشته شود». گفتند اگر این مصاحف برداشته می شوند پس قرآنی که در حافظه مردم است چه می شود. گفت: شبی بر آن می گذرد و حافظه آنها از آن صاف می شود و حتی (لا اله الا الله) را نیز فراموش می کنند و در میان اشعار و اقوال جاهلی قرار می گیرند در چنین روزی قول بر آنان واقع می شود.

- امام احمد و ترمذی از ابوهریره -رضی الله عنه- روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم- فرمود: دابه الارض خارج می شود در حالی که عصای موسی و خاتم سلیمان را به همراه دارد و کافر را مهر می زند (روایت مشترک اهل تشیع و اهل تسنن).
- قرطبی می گوید: نخستین و صحیح ترین قول این است که بچه شترِ صالح است و الله اعلم.
- آن حیوان، نشانه ای خارق العاده از نشانه های ده گانه قیامت به شمار نخواهد آمد.
- دابه الارض همان ماری است که در زمان قدیم وقتی که قریش خواستند کعبه را از نو بسازند بر دیوار کعبه مشرف بود و عقابی آمد و آن را برد.
- دابه اسم جنس برای هر جنبنده روی زمین است، و خاص جاندار عجیب و غریبی نیست و یا شاید منظور از آن جانداران تک سلولی باشد که جسم انسان را مریض می کنند و یا او را مجروح و مقتول می گردانند. این قول را ابوعبیه در تعلیقش بر «النهایه / الفتن و الملاحم» ابن کثیر بیان کرده است.

  ولی این رأی بنابر ادله ای که ذکر می کنیم بعید به نظر می رسد. زیرا مولکول ها غالباً با چشم غیرمسلح قابل رؤیت نیستند و در مورد دابه کسی تاکنون نگفته است غیرقابل رؤیت است. بلکه از توصیفات پیامبر صلی الله علیه وسلم چنان بر می آید که با چشم مجرد برای مردم قابل رؤیت باشد. مثلاً در حدیثی آمده است که او عصای موسی و خاتم سلیمان را به همراه دارد.
- دلیل اینکه این جاندار سخن می گوید و مردم را مورد خطاب قرار می دهد بگونه ای که آنها کلامش را می شنوند و می فهمند آمدن نام آن در سوره نمل است که بازگوکننده سخنان بین حشرات، پرندگان، جن و سلیمان علیه السلام است. پس ذکر دابه الارض و گفتگویش با مردم متناسب با سیاق سوره و جو عام آن است (نزدیک ترین نظر به نظر من).

- برای جلوگیری از اطاله مطلب به همین مقدار مرور منابع بسنده می کنم و به مستندات فکر خود می پردازم.
- اما آیه ۸۲ سوره نمل حقا و انصافا آیه ساده ائی نیست. از متشابهات است. خط کش میزان فهم است. وظیفه تفسیر نسل است. از اسرار است. لذا با هیچیک از مصادیق فوق کاملا منطبق نیست. اتفاقا خیلی شبیه به برداشت اهل تسنن نزدیک تر است (**حیوانی است که سرش به گاو و گردنش به شترمرغ و سینه اش به شیر ... می ماند**). به یقین می توان گفت:

۱. این موجود نه علی است و نه اولاد علی. علی اول مومن مرد و اول مرد پیروز جبهه های اسلام و مستظهر به غدیر خم و مفتخر به القابی چون"من کنت مولا و علی مولا" و یا "انا شهر العلم و علی بابها" نبی مکرم به هیچ وجه شایسته دریافت عنوان جنبده از سوی خدا نیست (از جانب محبان علی چرا؟).
۲. این موجود غیرفضائی و کاملا زمینی (دابه الارض) قاعدتا باید حرکات یک جنبده را داشته باشد (دابه از ریشه "دبُّ"، به معنای راه رفتن خفیف است).

۳. آنچه این جنبده را از سایر جنبده های هم اسم خود (دابه) متمایز می کند تکلم او با انسانهائی است که بی منطق اند، از حرف حق گریزان اند، وعده های خدا را دست کم می گیرند، در یک کلمه منکر و مکذب و متکبرند. این موجود باید بقول مرحوم علامه طباطبائی یک آیت خارق العاده بوده باشد. به بیان من او باید جامع همه فضائل و حامل همه پیامها باشد. فقط به مدد علم و حکمت، جسم عجیب و غریب اما نه خیلی ترسناک، قدرت بیان و قدرت منطق بالا او خواهد توانست منکران را مجاب و تسلیم حرف حق بکند.

- از بین دابه های مذکور در قرآن دابه ائی که عصای سلیمان را خورد تکلیفش مشخص است. آن موجود چوب خوار بوده است. پس به احتمال زیاد از جنس مور و موریانه بوده است (سوره سبا، آیه ۱۴). وضعیت دابه های دیگر هم تقریبا روشن است و من ذیلا به آنها اشاره خواهم کرد. آنچه معادله چند مجهولی است و برای فهم بهتر آن و شناخت عمیق تر آن نیاز به تفکر بیشتر، علم روز بیشتر، استعانت از خداوند متعال است دابه سوره نمل است. جرقه ائی که امدادا در یک نیم روز به ذهن من خطور کرد و مرا راغب کرد به ادامه پیگیری موضوع به روش زیر بود:

۱. دقت و تتبع در آیات قبل و بعد از آیه ۸۲ یعنی آیات ۸۱ و ۸۳–۸۴ سوره نمل،
۲. دقت و تتبع در مصادیق دابه در آیات مختلف قرآن،
۳. دقت و تتبع در اسامی سوری که در آنها کلمه دابه (۱۶۴/ بقره، ۴/ جاثیه، ۲۹/ شوری، ۴۵/ فاطر، ۱۰/ لقمان، ۴۹/ نحل، ۶۱/ نحل، ۴۵/ نور، ۶/ هود، ۳۸/ انعام، ۱۴/ سباء، ۸۲/نمل) و یا جمع آن (دواب) بکار رفته است (۵۵/ انفال، ۱۸/ حج، ۲۲/ انفال، ۲۸/ فاطر). جمعا ۱۶ بار.

- مصادیق که توضیح آن در بالا آمد.
- توضیح آیات قبل و بعد سوره نمل ذیلا خواهد آمد.
- می ماند اسامی سور که از بین آنها یکی نحل (زنبور عسل) است که موجود زیر خاکی نیست. بقره (گاو) هم که موجود شناخته شده است و در حد و اندازه دابه سوره نمل نیست. بقیه اسامی سوره ها هم که تجانسی با اسم جنبده ندارند (مثل شوری، لقمان، هود و...).

برعکس در آیه ۲۹ سوره شوری صحبت از موجودات سماوای از جنس دابه است."وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ – و از نشانه‌های [قدرت] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو پراکنده است و او هر گاه بخواهد برگرد آوردن آنان تواناست". علامه طباطبائی در ذیل آیه ۲۹ شوری می فرماید: ظاهر آیه این است که در آسمانها خلقی از جنبندگان (دواب) مثل روی زمین وجود دارد (المیزان/ج۱۸/ص۵۸).

- **می ماند نمل (مورچه) در سوره نمل و آیه ۸۲ سوره نمل. خلاص! آیا دابه الارض همان مورچه است که در نام سوره مستتر بوده و تاکنون کسی متوجه آن نشده است؟ آیا این برداشت من جدید است؟ اگر مورچه همان دابه**

الارض است او چه نوع مورچه ائی است؟ چه دستکاری ژنتیکی روی آن باید انجام بگیرد که او را دارنده همه ژنهای برتر کند؟ تا تفاخر آن بر انسانها حجت و تعیین کننده باشد؟ منحصر بفرد باشد، موجود چند تریلیارد دلاری باشد؟ تحت امر خدا و در انحصار خدا باشد. چون شیطان دبه در نیآورد و همچنان دابه بماند! چون عیسی مسیح در گهواره سخن بگوید اما حدش در حد دابه باشد. سرش بزرگ گردنش نازک باشد.

- حالا که به موضوع اندکی دور و یا نزدیک شدیم بهتر است برویم سراغ شباهت های اسمی و جسمی و فکری دابه و مورچه و قابلیت های منحصر بفرد مورچه برای تبدیل شدن به دابه الارض موعود.
- قرائن و براهین قوی و محکم بر شباهت دابه آیه ۸۲ سوره نمل بر مورچه:

۱. مورچه جنبده زیر خاکی است.
۲. جنبده ائی با فیزیک عجیب و غریب اما نه ترسناک است.
۳. سرش بزرگتر از دیگر اندام است.
۴. سخت کوش است.
۵. سخت پوش است (دارای یک اگزاسکلتون سخت ضد آب است که از ماده ای به نام کیتین ساخته شده است (مراجعه شود به مقاله مبدا و معاد انسان خردمند امروزی در همین سایت)
۶. عاقبت اندیش است.
۷. نحوه انبان و ذخیره سازی غذای او بی نظیر است.
۸. مدل خوب برای مطالعات مربوط به روابط اجتماعی و همکاریهای مشترک است.
۹. از جنبده های بسیار موفق روی سیاره زمین است.
۱۰. قادر به انجام کارهای مختلف است. از رفتگری گرفته تا شکار و همزیستی و گوشتخواری و گیاهخواری.
۱۱. حرف می زند و حرف معقول هم می زند، صحبت پیشوای مورچگان را هنوز مردم مسلمان از آیه ۱۸ سوره نمل قرآن به یاد دارند که گفت "ای مورچه ها به لانه هایتان بروید تا زیر سم سواران حضرت له نشوید".
۱۲. ژنوم نسبتا بزرگی دارد بین ۶۰۰-۲۵۰ میلیون جفت باز (megabase pair, Mbp) و از همه مهمتر دارای ژنهای اجتماعی (social genes) است. تعداد ژنهای بیان شده قابل توجه است (۱۶۰۰۰ ژن) اما برای سیادات او بر انسان (منکر! بیلمز!) تعداد ژن های مفید او باید حداقل به سه برابر مقدار فعلی برسد. سرش به اندازه کافی بزرگ است. بزرگتر بود مغز آدم جا می گرفت شاهکار می کرد.
۱۳. لشگر خود را دارد.
۱۴. طبق پیش بینی قرآن، خالق عالم موجودی (دابه) با هیبت مورچه اما شبیه به ربات های ناشناخته و معجزه آسا در آخر زمان خلق خواهد کرد که حرف او را نه فقط سلیمان نبی که آدمهای گمراه خواهند شنید.

در آیه ۸۱ آمده است: ای پیامبر اینان کورند و به بیراهه می روند، و تو هم نمی توانی کوران را هدایت کنی و از گمراهی باز داری. مگر کسانی را که مومن به آیات ما هستند، آن را تصدیق می کنند و تسلیم محض هستند.

در آیات ۸۳ و ۸۴ موضوع آشکارتر است:

ای رسول بیاد آر روزی را که از هر قومی مکذبین آیات خود را برانگیزانیم و وقتی همه جمع شدند در آن روز از ایشان این پرسیده می شود"چرا وقتی احاطه علمی به قرآن نداشتید۱) آن را تکذیب کردید ۲) به آن عمل نکردید؟.

- معلوم می شود هنوز زمان فراخوان همگان آنها نیست، چون تعداد جمعیت آنها به حدنصاب نرسیده است (به دیگر مقالات من مربوط به حدنصاب حسگری یا درک احساس جمعیت یا Quorum sensing مراجعه شود).

چون هنوز دنیا فاسد، فاسد نشده است، چون هنوز قدرت کذب مکذبین، انکار متکبرین و استکبار مستکبرین متاخر قوی و قوی نشده است، چون از سوی سامری های جدید شعبده بازیهای گمراه کننده و در عین حال فلج کننده رونمائی نشده است، چون تعدادی هنوز متولد نشده اند که محشور بشوند، چون تا آخر زمان قرنها فاصله است، چون ظهور دابه الارض از نشانه های قیامت و وقوع روز رستاخیز است. آن زمان برسد دیگر پشیمانی سودی ندارد. انسان برای اولین با موجودی عجیب و غریب آشنا می شود که چون خود از جنس زمین است. تا روز رستاخیز که از این موجودات بیشتر و بیشتر ببیند و وعده های خود به او بیشتر ثابت بشود. یادشان بیفتد آدمیانی را که متخلف بودند، بی پروا بودند گرفتار خشم خدا، مسخ چهره و هیبت بوزینه شدند.

اصحاب سبت یکی از ایشان بود. جماعتی از مردم یهود که حرمت روز شنبه را نگه نداشتند و به ماهیگیری در آن روز با رندی ادامه دادند. یعنی شنبه ماهی ها را حبس می کردند و یکشنبه آنها را صید می کردند! در حالیکه دستور تعطیلی صید در روز شنبه بود. فکر می کردند با این کار فرمان را دور زدند بدون اینکه از عقوبت کار خود با خبر باشند. یک امتحان ساده برای یک امت و یک عقوبت سخت برای رد شدگان این خط قرمز بسیار ساده.

اما مگر طمع می گذارد. مگر انسان یادش می آید که دنیا محل آزمون است. یک امتحان و دو برگه امتحانی. یا خطا یا اطاعت. سزای خطا مجازات و جزای اطاعت پاداش.

در برابر این آزمون امت آن روز سه گروه شدند. تعدادی اطاعت امر کردند، گروه دوم انذار دادند و گروه سوم نه اطاعت کردند و نه انذار شنیدند بلکه به حیلت متوسل شدند! اینها نادانان نافرمان بی پروای منفعت طلب تاریخ هستند که همیشه دوست دارند خط قرمزها را رد کنند دلیل هم دارد زیرا به قانون حدنصاب توجه ندارند. مجازات آخر را در گناهان کوچک اول خود نمی بینند. قرآن و دیگر کتب آسمانی راوی سرگذشت این بد عاقبتان برای عبرت آیندگان هم جنس ایشان است.

مجازات این امتحان بخصوص وقتی هدایت ها جواب نداد (آل عمران آیات ۱۶۵-۱۶۴)، مسخ شدن بود. گفتیم بوزینه شوید-مطرود شوید. پس بوزینه شدند طرد شدند (قِرَدَةً خاسِئِینَ آیه ۶۵ سوره بقره). خاسِئِینَ از ماده «خسأ» به معنی طرد نمودن است. می توانست مجازات دیگری بر ایشان تعیین بشود. اما قسمت ایشان این بود. تنزل جسم! تنزل مقام

انسانیت. تبدیل صورت انسان به صورت بوزینه و از همه بدتر طرد شدن. در محضر خدا حکم این گناه در آن دوره بوزینه شدن و طرد شدن بوده است. شاید هم هنوز جزای این گناه بوزینه شدن و طرد شدن باشد و شاید هم بالاتر.

اگر چنین باشد باید تعداد بوزینه شدگان عالم کم نشده باشد. آن موقع نادان بودند هیبت مسخ شدگی را باید با دو چشم خود می دیدند و این هنگام دانای نادان هستند و آن را با تمام وجود حس می کنند.

اما باز به جای تعمق در آیات خدا، بر خدا/کتاب خدا ایراد می گیرند! به اصطلاح نقد قرآن می کنند! برخی آیات قرآن را ضد نقیضین می دانند! مثلا می فرمایند این مجازات ها درخور انسان نیست! ضد بشری است! ضد حقوق اولیه بشری است! یک تعدادی هم نادان مسلمان توجیه می آوردند که منظور از این آیه و آن آیه این است و آن!

و یک گروه هم خاتم الانبیائی پیامبر را زیر سئوال می برند (بهائی ها)! و مدعی هستند خاتم انبیا بودن پیامبر مردود است و آمدن دیگر انبیا محتمل است! نمونه اش بهاءالله اولین و آخرین بعد از ایشان است! **آخرین زیرا امروز اگر بر فرض محال یک نفر مدعی رسالت پیامبری بشود اولین مخالفان او خود پیروان باب و بهائی خواهند بود** زیرا حسینعلی نوری ملقب به بهاءالله، بنیانگذار دین بهائی را جدیدترین فرستاده الهی در سلسله پیامبران پیشین چون ابراهیم، موسی، بودا، زردشت، مسیح و محمّد می دانند که رسالتش برای ایجاد تمدّنی جدید و جهانی است که بشر در این زمان بدان نیازمند است. ویکی پدیا،۲۰۱۷).

ایشان باید بدانند رد حرف خدا رد حد خداست.

آن هنگام موضوع خاتم النبیین حضرت رسول (ص) اعلام رسمی از سوی خدا در قرآن شده است (احزاب/۴۰) که انسان هنوز به این اندازه به رشد و تعالی فکری نرسیده بود. هنوز اندر خم یک کوچه بود. نیازمند دستگیری بود. وضع امروز جهان و تمدن فردای جهان غیرقابل پیش بینی بود.

لذا هزار سال پیشتر از زمان موعود آن خدای دانا و توانا فرمود این دین اکمل ادیان و اتمّ نعمات است. رسول هم ختم رسل است. یعنی راهنمای آینده بشر نه رسولان از جنس انسان که دابه الارض است. لذا شبیه سازی این آئین ها از روی دست خدا کار عبث و بیشتر جنبه بیتوته دارد. از جنس مجرمانه است. تقلید کورکورانه و کودکانه از مشیت قبل و نه بعد خداست. نه تنها در آن نوآوری نیست بلکه خطای فاحش است. هزاران سال بعد این آئین ها تکراری (duplicate) با رشد فن آوریهای جدید و افزایش علم و آگاهی بشر به سخره گرفته خواهند شد. بر عکس قرآن با همه آیات و مبیناتش ستوده خواهد شد.

البته باب این بدعت ها هیچ وقت تمامی نخواهد داشت زیرا در حد فست فورد گرسنگان و تشنگان خودش را خواهد داشت.

- این افراد گرفتار دنیا هستند! خدا ناباورند. اولا نمی گویند خدا با خوبان (درمورد بالا خوبان قوم یهود) چه کرد. ثانیا از پشت پرده مجازات ها خبری ندارند! و ثالثا از شگرد کاریهای دابه الارض هنوز خبری ندارند. لذا ایراد می گیرند چرا

اطاعت از طاغوت مجازاتش مسخ شدن است (سوره مائده آیه ۶۱)؟ چرا ایمان نیآوردن به خدا بوزینه شدن است (سوره نساء آیه ۵۷)؟ و.. جرات ندارند و گرنه می گفتند چرا اطاعت کنندگان خدا باید در بهشت متنعم باشند! به اینجا که می رسند صورت مسئله را پاک می کنند و می گویند خدا بی خدا! ایشان باید اندکی (شاید میلیون ها سال) صبر کنند تا شاید یکی از دعوت شدگان برای جلسه توجیهی و تفهیمی دابه الارض خود ایشان باشند!

- آن جلسه برای شرکت کنندگان آن آخرین جلسه است، جلسه غیر تکراری و غیرقابل برگشت است. جلسه با دابه! خدایا چقدر آن جلسه اگر بر مومنین بود سخت و بر نافرمانان سخت تر است! شان مومن دیدار با خداست و نه با دابه! سلام خداست و نه مجاب منکرین، ارتقای جسم است و نه تنزل آن. مجازات اعمال حیوانی حیوان است. مجازات صید حیوان ماهی تبدیل شدن صیاد به حیوانی شبیه به بوزینه و خوک است. اما نمایندگان ایشان در آن روز حق انتخاب دیگری ندارند، جلسه ظاهرا دقیقه نودی است زیرا قیامت نزدیک است و...

پس در یک بزنگاه تاریخی وقتی جمعیت ایشان بعنوان نماینده منکرین و مکذبین به حدنصاب رسید احضار و از سوی دابه الارض سوره نمل مورد پرسش قرار خواهند گرفت. آن روز، روز محشر نیست-آن روز قیام عیسی نبی و امام غایب هم نیست. روز نزدیک به قیامت است.

پرسش هائی این بخش:

۱. چرا موجود زیر خاکی؟
۲. چرا سماوی نه؟
۳. چرا احضار افراد خواص در زمان خاص؟
۴. چرا قبل از محشر عظیم؟
۵. چرا هدایت کننده یک انسان هادی نیست؟
۶. چرا یک جنبده زمینی شبیه به مورچه باید هادی و دارای نفوذ کلام باشد که پس از شنیدن پیام او، منکرین وادار به اعتراف به حقانیت حق بشوند؟
۷. چرا دنیا در صدد ساخت رباتهای انسان نما هست و خدا در آخر زمان درصدد خلق ربات مورچه نما است؟
۸. آیا شان مخاطبین مورچه هادی، ماشین است؟ مثل ربات های (robots) دست ساز امروز و فردای ما. یا نه در آن زمان فهم ها همه ماشینی شده است؟ بیان ژنهای مغز انسان کامل شده است. انسان به قدرت و توانائی ها رسیده اند که تصور آن امروز بر ما چندان آسان نیست اما شواهد و قرائن آن همین امروز پیداست. نظیر احتمال وجود موجودات سماوای و تعامل بشر با آنها، موفقیت برنامه ریزیهای کامپیوتری برای هدایت سفینه ها و سفرهای طولانی مدت انسان به دیگر

کرات آسمانی و بالاخره تکبر انسان در اطاعت از امر خدا و عدم موفقیت انسانهای هادی بر هدایت ایشان! مثل اجداد نادان خویش که پیامبران را بشری بیش نمی دیدند و بعنوان فرستاده خدا از دستورات ایشان اطاعت نمی کردند.

۹. استدلالها و معجزات این جنبده زمینی چگونه استدلالهای خواهد بود؟ با زبان یا بی زبان؟ یا با زبان مشترک؟ هرچه هست فوق تصورات آدمهای آن روزگار خواهد بود. دیگر از بهانه های بنی اسرائیلی در آزار پیامبران خود خبری نخواهد بود.

- جان کلام آخر:

۱. خداوند با این آیه هم قدرت خود را به رخ انسانها می کشد که اگر مطلبی را عیان نکنم شما از درک آن عاجزید.

۲. وعده خلق جنبده ائی را می دهد که در هدایت، توان فوق العاده ائی دارد و ظاهرا کتابهای مقدس امروز بر هدایت ایشان کفایت نمی کند. نیاز به ادله روشن و صریح است. جبهه گیری در مقابل قرآن زیاد است و پیام آن باید به شیوه راستین آن ابلاغ بشود.

۳. آن جنبده خارق العاده یک هادی زبردستی است.

۴. هدف خدا هنوز هم بر هدایت و نه اعدام است. یک نقطه عطف (breakthrough) برای نجات مردم اسیر در دست گمراهان چیره دست است.

۵. قانون هَلْ جَزَاء الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ است (سوره الرحمن آیه ۶۰)- آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ مخاطب انسان نماها همانا حیوان نماها است.

- عبرتها:

۱. خطابش به همه مخاطبان است که چرا به آن مقدار که حقایق عیان شده است عمل نمی کنید؟ و به مسلمانان که چرا اینقدر درخوابید؟ در کفرانید! ناآگاهید! چرا در دست خود شمع نمی گیرید که فیل را فیل و نه فیلک ببینید؟

۲. چرا از این واقعه بزرگ تاریخی که در آینده دور رخ خواهد داد برای خود فیلم و سریال نمی سازید؟ تا عبرت جهانیان باشد. تا یکی از افراد تشکیل دهنده خواص آن روز نباشید. اینهمه فیلم های تخیلی! آنها کجا و این خلق عظیم خدا در آخر زمان کجا؟

۳. چرا به جای رمزگشائی از آیات خدا پرده پوشانی می کنید؟

۴. چرا دوست دارید بر دین حاشیه بسازید؟ آیات خدا را تحریف کنید و بر گناهانکاران حرفه ائی دلسوزی کنید؟

۵. چرا نمی پذیرید ترحم بر پلنگان تیز دندان/ ستمکاری بود بر گوسفندان (سعدی).

۶. چرا قرآن می خوانید برای ثواب؟ و نیکی می کنید باز برای ثواب؟ چقدر ثواب کمی هم خطاب؟

۷. چرا اخبار امروز مسلمانان که بیشتر هم ساکن منطقه خاورمیانه هستند تاسف بار است؟ این اخبار اگر نباشند بیشتر شبکه های خبری یا تعطیل می شوند و یا ساعت پخش آنها به شدت کاهش می یابد! چقدر وابستگی به فرمول های غیر خدائی! چقدر فریب خوردن از دشمن!

۸. کدام امت بیش از مسلمانان نماز می خوانند؟ روزه می گیرند؟ و بعنوان یک فرد مسلمان قرآن می خوانند؟ این باید باشد وضعیت ما؟ چرا از خود نپرسیم این اعمال متعدد ما چرا خروجی بارز ندارد؟ چرا در سطح و فراز آسمان این منطقه مشتعل ترین است؟

۹. چرا در سجده آخر نماز خود از خدای خود تنها التماس مهم امروز مسلمانان را نمی کنیم که بارالها علم ما را افزون کن (وَقُل رَّبِّ زِدْنِی عِلْمًا. طه – ۱۱۴).

۱۰. و بالاخره در تفسیر آیه ۸۲ سوره نمل و در تشریح صفات و سکنات دابه الارض چرا از این فرمایش نبی اکرم اسلام (ص) بقدر کافی استفاده نمی کنیم که فرمود آن دابه چون ظاهر شود، ۱) دارای عصای موسی و۲) انگشتر سلیمان است، ۳) با انگشتر روی مؤمنین را نقش و مهر کند، ۴) با عصا بینی کفار را بشکند، ۵) چون مردم در محضرش در مکه حاضر شوند، ۶) مؤمن و کافر از یکدیگر تمییز داده شوند، ۷) بر چهره مؤمنین می نویسد این شخص مؤمن است و ۸) بر چهره کافر می نویسد این شخص کافر است (تفکیک خوب از بد که مخصوص قیامت است. آیا منظور تقارن روزهای ظهور با قیامت است؟ بویژه اگر نیاز به اجتماع همه گروه ها مورد مخاطب دابه باشد).

چقدر این فرمایش نبی دقیق و نزدیک به فهم آیه ۸۲ نمل است. معلوم است برای موفقیت این مهم، دابه آن جنبده عالم و دانا و هادی هم نیازمند عصای موسی است که همه سحرها را باطل کند و هم انگشتر داوود که همه جن و انس را مسحور خود کند و هم منطق کتاب قرآن که از زبان شایسته آن بیرون بیآید.

۱۱. به زبان حال من:

به ما از نحل و از نهر عسل گفت

به ما از نمل و از نسل نمل گفت (دابه الارض)

مگر گفتن ز ما از خودستائی است

به من گفتند بگو گفتم نمل گفت

- اولین مناظره زنده بین هوش مصنوعی (Artificial Intelligence) با نام مناظره گر/مباحثه گر پروژه (Project debater) شرکت آی بی آم با انسان دیروز (۱۳۹۷/۳/۲۹) در آمریکا در قالب پروژه تحقیقی مناظره (Debater research project IBM's Project) خبر ساز شد (شبکه فارسی بی بی سی).

این ماشین های هوشمند که توسط شرکت های مختلف تهیه و در معرض دید مردم قرار می گیرند حاوی ده و بلکه صدها میلیون اطلاعات مختلف از جمله تشخیص تصویر، صدا، لهجه، علائم و غیره روی تراشه‌های سیلیکونی و با الگوبرداری از ساختار سیناپس‌های عصبی مغز هستند.

زمینه فعالیت این ماشین های خردمند امروز بیشتر روی یادگیری (Learning)، استدلال (Reasoning)، حل مسئله (Problem Solving)، ادارک (Perception) و زبان (Language) متمرکز است.

روبات‌های فعلی هم که شاخه‌ای از این هوش مصنوعی هستند از این امر مشتثنی نیستند. قدرت پردازش بالای این ماشین ها در مدت چند دقیقه برای ناظران دیروز مناظره شگفت انگیز بود. اما تا رسیدن به ماشین های فوق بشر نیاز به تحقیقات بیشتر در بخش سخت‌افزاری و الگوبرداری از روش انتقال و دریافت پیام و نیز مصرف کم انرژی است. انرژی مصرفی ماشین های امروز برای پردازش اطلاعات بیش از انسان است.

تردیدی نیست این دو (ماشین و انسان) اگر در آینده رقیب هم نباشند حتما همکار هم خواهند بود. آیا دابه الارض روز قیامت با هیبت مورچه یا هر چیز دیگر نسل آخر این ماشین ها خواهند بود که نه از ماشین که از سلول های زنده ساخته شده است. آیا نباید به داشتن این آیات و خواندن آنها نباید افتخار کرد.

- خوشحالم که به استدلال قبلی ام یک سند معتبر دیگر این بار صرفا علمی و فنی اضافه شد. انشاءالله بیخبران به خود آیند و به جای این و آن برای خدا خبرساز باشند. به خود سخت بگیرند تا به آیات خدا.
- تا دیروز کسی به این موضوع توجه ویژه نداشت. تفسیرها همه به غلط بود. اما امروز به مدد علم از یکی دیگر از آیات خدا رونمائی شد. خط کش ما غرب نیست. گرفتن خط کش از دست خداست. از آیات خداست. تفسیر آیات بر پایه علم مقدم بر هر تفسیر منقول و غیرمنقول است.
- همچنانکه در مقاله پیام آسمانی-همخوانی کار سلول با کار انبیا آمد کسانی که علم بیولوژی و علم نجوم نمی دانند حق ندارند خیلی عمیق وارد حوزه معرفتی وحی بشوند که زبانی متفاوت از همه زبانها دارد. نزدیکی این دانشمندان هم به آن آیات خدا صرفاتاریخ مصرف امروز دارد. آینده شکوفاتر از امروز است.

سخت کنند بر همه سامان دین

نقد کنند بر همه آیات دین

سرور و سالار و سپهدار دین

نامه اعمال دین





دابه و دی بیتر

(۱۳۹۷/۳/۳۰)

مفتخرم نام من هم کاشف است

نامه صد خانه است

دابه و دی بیتر (debator) است

نام چقدر نازک است

ناظر آیات ماست

مظهر آداب ماست

هوش از این روزگار (هوش مصنوعی)

هوش از آن روزگار (هوش واقعی)

هوش ترین روزگار

مژده آیات اوست

مژده صد کار اوست

مسند دوران اوست

منبر میقات اوست

دوره بعد گفتنی است

گفت نگو گفتنی است

کار نبی ماندنی است

کار علی خواندنی است

قصه توحید ماست

آنکه در او نور ماست

دابه از آن سو رسد

دیده از این سو رود

محترم است روزگار

سوره از آن سو رسد